گزیده

شناسایی ۱۰۹۴ مبتلا به هپاتیت A در کشور

براساس اعلام وزارت بهداشت در سال گذشته هزارو۹۴ مورد ابتلا به هپاتیت A در کشور شناسایی شده‌است که ۵۲ درصد مبتلایان مرد و ۴۸ درصد آنها زن بوده‌اند.

هپاتیت A نوعی بیماری ویروسی کبدی است که عمدتاً از طریق آب و غذای آلوده به انسان منتقل می‌شود.

طبق اعلام وزارت بهداشت، در سال ۱۴۰۱ در مجموع هزارو۹۴ مورد ابتلا به هپاتیت A از دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور گزارش شده‌است که تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با تعداد موارد گزارش شده در سال ۱۴۰۰(۶۷۵ مورد) داشته ولی با سال‌های ۹۸ و ۹۹ تفاوت معنی‌داری نداشته‌است و بر اساس داده‌های ثبت شده از سال ۱۳۹۷ تاکنون میانگین تعداد موارد گزارش سالانه حدود هزارو ۱۹۰ مورد بوده‌است. بر اساس تعداد موارد شناسایی و گزارش شده، میزان بروز بیماری در کشور حداقل ۱۲/۸۷ مورد به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت بوده‌است؛ البته باید احتمال کم گزارش‌دهی در موارد خفیف و بدون علامت بیماری یا عدم گزارش‌دهی توسط بخش خصوصی را مدنظر داشت.

بر اساس آمار بیماران شناسایی‌شده در سال ۱۴۰۱، بیشترین میزان بروز مربوط به دانشگاه جیرفت است ولی با در نظر گرفتن داده‌های مربوط به سه سال گذشته دانشگاه‌های خراسان شمالی(به‌دلیل طغیان گسترده در سال ۱۳۹۸) گراش، جیرفت و بم دانشگاه‌هایی هستند که بیشترین بروز بیماری را داشته‌اند.

طی سال گذشته در ماه‌های خرداد، تیر و شهریور بیشترین تعداد موارد بیماری گزارش شده‌است.

بر اساس گزارش وزارت بهداشت، بررسی گروه سنی مبتلایان نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از موارد ابتلا در کودکان با سن کمتر از ۱۰ سال و حدود ۳۱ درصد نیز مربوط به سنین ۱۰ تا ۱۹ بوده‌است، بنابراین ارتقای برنامه‌های مراقبت و آموزشی راه‌های انتقال و پیشگیری از هپاتیت A در این سنین از اهمیت بالایی برخوردار است.

ابتلا در بین زنان و مردان تقریباً یکسان بوده و ۵۲ درصد مرد در مقابل ۴۸ زن هستند و ۹۳ درصد مبتلایان شناسایی‌شده نیز ملیت ایرانی داشته‌اند.

مشاغل دانش‌آموزی و خانه‌داری بیشترین فراوانی را در بین موارد ثبت‌شده به خود اختصاص داده‌است. این موضوع با توجه به گروه سنی مبتلایان مورد انتظار است.

حدود ۵۹ درصد مبتلایان در مناطق روستایی، ۳۹ درصد در مناطق شهری سکونت داشته‌اند. حدود ۲ درصد نیز مربوط به موارد سیاری و عشایر بوده‌است. باید در نظر داشت بیماری هپاتیت A بیماری است که ارتباط زیادی با عوامل محیطی و بهداشت محیط دارد و این آمار بالا در مناطق شهری نگران‌کننده است.

علائم زردی(۷۱درصد)، درد شکم(۶۶درصد)، تهوع و استفراغ(۵۸درصد)، تب(۴۳ درصد)، کاهش اشتها(۴۲ درصد)، خستگی(۳۳ درصد)، ادرار پررنگ(۳۶ درصد) و مدفوع کم‌رنگ (۷درصد) به ترتیب بیشترین فراوانی را در مبتلایان داشته‌اند.

۵۶ درصد از موارد گزارش شده، بستری بوده‌اند و ۴۲ درصد به صورت سرپایی درمان شده‌اند. اصولاً عمده موارد از بیمارستان‌ها گزارش شده‌است. در ۱۹ مورد(۱/۷درصد) هپاتیت فولمینانت گزارش و مرگ دو مورد ثبت شده‌است.

در بررسی عوامل خطر احتمالی طی دو تا شش هفته قبل از شروع علائم بالینی بیماران، تماس با موارد مظنون یا قطعی بیماری ۳۱درصد، مصرف آب غیرایمن ۲۸ درصد و تماس با فاضلاب در ۱۲ درصد گزارش شده‌است.

در سال ۱۴۰۱، ۱۰ مورد ابتلا به هپاتیت E نیز در کشور ثبت شده‌است. ۹ مورد از این افراد، مربوط به یک طغیان در منطقه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی تهران است. ملیت در مورد تمام مبتلایان این طغیان پاکستانی و مربوط به منطقه سیاری بوده‌است.

پیام جوان

سلام بر شما مخاطبان همیشگی «جوان». این ستون متعلق به شماست. دلگویه‌های شما عزیزان را از طریق شبکه‌های اجتماعی با شماره ۰۹۱۹۰۹۶۸۵۳۰ پذیرا و شنوا هستیم. در نظر داشته باشید این ستون را مسئولان و مدیران با حساسیت ویژه می‌خوانند.

اسکن کنید

■ **شهروند-تهران:** از سال ۱۳۹۱ برای خرید مسکن مهر پردیس ثبت‌نام کردیم و تمام مبالغ درخواستی شرکت سازنده طبق برنامه پرداخت شد. قرار بود این واحدها ۱۸ ماهه تحویل صاحبانش شود. اما اکنون بعد از ۱۱ سال انتظار و با اوضاع تورمی اجاره مسکن، همچنان خبری از تحویل این واحدها نشده است. کدام مسئول و کدام وزارتخانه باید پیگیر حقوق ما مستأجران باشد. تا کی باید انتظار بکشیم تا کلید واحد مسکونی که هم پولش را پرداخت کرده‌ایم و هم اقساطش را می‌دهیم به ما تحویل شود؟! از مسئولان تقاضا دارم رسیدگی کنند.

خبرکوتاه

■ وزیر آموزش و پرورش گفت: در این دولت، ۸۰۰ مدرسه غیردولتی متخلف را تعطیل کرده‌ایم و در برخورد با تخلف هیچ مسامحه‌ای نداریم.

■ شهرداری تهران از آغاز طرح استعدادیابی، توانمندسازی و حرفه‌آموزی کودکان کار خبر داد.

■ رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست از تدوین آیین‌نامه برای آفرودسواران خبر داد که ضمن ورود به طبیعت از آسیب به آن پیشگیری کنند.

■ مدیر عامل سازمان حمل و نقل و ترافیک شهر تهران از اجرای طرح بازسازی روسازی ایستگاه‌های بی‌آرتی با استفاده از روش جدید روسازی بلوکی (block paving) یا بتن مسلح در خطوط مختلف پایتخت خبر داد.

■ معاون صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی و گردشگری از افتتاح عمارت عین‌الدوله به عنوان مرکز هنرهای ایرانی اسلامی پایتخت خبر داد و این رویداد را نخستین گام در راستای همکاری پیوسته بین مدیریت شهری و حوزه صنایع‌دستی برای ارائه خدمات متقابل عنوان کرد.

گفت‌وگو

سجاد آذری

leader.ir

مختصات جامعه دینی ایرانی و آینده آن در گفت وگوی «جوان» با تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس

جامعه ایرانی نه بی‌دین می‌شود، نه سکولار

آزاد ارمکی: اگر بخواهیم جامعه ایرانی را از لحاظ تاریخی و حتی معاصر تعریف کنیم باید آن را جامعه‌ای دینی معرفی کنیم؛ صفت دینداری صفت تاریخی جامعه ایرانی است

با اینکه همه حرکت‌های ضددینی در طول تاریخ ایران به شکست محتوم شده‌است، اما اکنون و باز هم برخی درصدد حذف دین از جامعه ایرانی هستند. دین آنقدر با ایرانیان آمیخته است که بخشی از فرهنگ ما ایرانیان شده‌است. برای بررسی نسبت دین و جامعه ایرانی به سراغ تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس رفته و با او گفت‌وگو کرده‌ایم. ارمکی بر جداناپذیری دین از جامعه ایرانی تأکید دارد، طبیعتاً «جوان» با همه اظهارنظرهای او موافق نیست. گفت‌وگوی مشروح «جوان» با ایشان در پیش‌روست.

■■■

از گذشته دین در جامعه ایرانی چه جایگاهی داشته، چه روندی را طی کرده و الان به کجا رسیده‌است؟

اگر بخواهیم جامعه ایرانی را از لحاظ تاریخی و حتی معاصر تعریف کنیم باید آن را جامعه‌ای دینی معرفی کنیم، صفت دینداری صفت تاریخی جامعه ایرانی است. مردمان ایران از قدیم‌الایام از جایی که تاریخ نشان می‌دهد تاکنون همیشه دیندار بوده‌اند و اتفاقاً اگر فشارهایی آمده و گرایش‌های غیردینی یا ضدیت با دین در ایران به واسطه گروه‌ها و حتی دولت‌هایی مطرح شده‌است، جامعه نسبت به آن مقاومت کرده و به دینداری خودش پناه برده‌است. ما می‌توانیم دوره مغول و بعد از آن دوره معاصر را ذکر کنیم که در این دو دوره مشخصاً ازسوی دولت خارجی یا شرایط بین‌المللی برای ایجاد بی‌دینی یا دینداری‌های عجیب و غریب به جامعه حمله شده ولی جامعه ایرانی مقاومت کرده و اتفاقاً به دینداری تاریخی خودش پناه آورده‌است که این وجه ممتاز جامعه ایرانی است و شاید در جوامع دیگر خیلی نتوانیم اینگونه بگوییم.

صفت دومی که جامعه ایرانی به لحاظ دینداری دارد، این است که ایران همیشه محل تولد، پرورش، اشاعه و انتقال دینداری بوده‌است؛ مثلاً اگر به لحاظ تاریخی نگاه کنید، زرتشت در ایران ظهور و بعد رشد می‌کند و به کل جامعه جهانی به عنوان یک دین انتقال پیدا می‌کند. دوره بعد هم اشکال گوناگون دینداری‌های فی مابین دوره زرتشت و اسلام است و مرحله بعدی نیز خود اسلام است و اگر به تاریخ مراجعه کنید، می‌بینید این ایرانیان هستند که موجب توسعه اسلام و هم انتقال و اشاعه آن می‌شوند و حتی یک تابع متفاوتی هم ارائه می‌دهند.

این دو ویژگی ممتاز جامعه ایرانی در مسئله دینداری است و این هم فقط در سطح دولت‌ها نیست، بلکه به حوزه فرهنگ منتقل می‌شود و جامعه به لحاظ فرهنگی رنگ و بوی دینداری پیدا می‌کند و این است که ما به عنوان یک پدیده یا ویژگی دیگر جامعه ایرانی در مورد آن باید بحث کنیم که صورت‌های متفاوت دینداری در ایران داریم. ما هیچ‌وقت یک دینداری واحد در ایران نداشتیم و حتی از یک دین واحد صورت‌های متفاوت دینداری را داشته‌ایم که امروز هم اتفاقاً این وضعیت را داریم و این وجه غالب ساحت دینداری در ایران است؛ یعنی اکثریت ملت ایران خودشان را مسلمان و بعد شیعه می‌دانند، ولی شیعه‌ای که مردم ایران هستند شیعه‌های یکسان و یک وجه و یک صورت نیست و وجوه متفاوتی دارد.

چه چیزی جامعه ایرانی را اینقدر دیندار کرده که به قول شما در طول تاریخ اینگونه به آن پایبند بوده‌اند و آیا در دیگر جوامع این مسئله وجود داشته یا اینکه جامعه ایران حالت خاص خودش را داشته‌است؟

چندتا علت می‌شود برای آن ذکر کرد؛ یکی اینکه جامعه ایران جامعه‌ای تاریخی است و این ماندگاری تاریخی هم در گرو همین تمایل و تکیه کردن به یک نوع دینداری است. جامعه‌ای مانند عراق یا حتی ایتالیا، آلمان و فرانسه، جامعه‌های معاصر هستند و در آن بخش از جهان ما نظام‌های ملوک‌الطوایفی و فئودالی داریم که متفاوت از دولت‌هاست، ولی در ایران از قدیم‌الایام پدیده دولت جامعه البته به شکل قدیم آن مهم بوده است. اگر آثار متفکران قبل از اسلام یا صدر اسلام را نگاه کنید، کسی که شاخص این مسئله است و میان‌داری می‌کند، فردوسی است، فردوسی در مورد ایران و دین، زبان و فرهنگ ایرانی سخن می‌گوید. این دولت جامعه چیز خیلی مهمی است که در جوامع دیگر ما کمتر می‌توانیم آن را ببینیم. اینهایی که مثال زدیم یا جوامع تازه تأسیس‌یافته هستند یا جوامع در حال فروریختن یا جوامعی مانند جامعه امریکا هستند که تازه متولد شده و معاصرند.

نکته دیگری که وجود دارد، این است که جامعه ایرانی در ساحت تمدن‌سازی مؤثر بوده‌است، ما دو دوره مهم تمدنی برای ایران قائل هستیم؛ تمدن قدیم، دوره تمدنی کلاسیک قبل از دوره ساسانی، هخامنشیان و مادها است و یک دوره هم عصر میانی ایران و اسلام، در تمدن اسلامی است. اگر این دو هسته را بگیرید، بقیه زیست ایران، زیست‌فرهنگی است؛ البته در دو هسته تمدنی نیز زیست ایرانی، زیست‌فرهنگی است و وقتی هم که این زیست‌فرهنگی شد، جامعه به لحاظ فرهنگی و نه به لحاظ اقتصادی یا سیاسی و نه حتی به لحاظ شاکله عرصه تمدنی زنده است و زندگی می‌کند.

وقتی که بحث فرهنگ می‌کنیم باید ببینیم چه چیزی به فرهنگ جان می‌دهد و فرهنگ یک ملت و عرصه تمدنی را می‌سازد، آنجا می‌شود گفت هم زبان است و هم روح ملی، همه هستند، ولی در اینجا با چیزی روبه‌رو هستید که من اسمش را آداب و ادب می‌گذارم که از آن چیزی به نام فرهیختگی متولد می‌شود. ما ایرانیان با این صفت بیشتر شناخته شده‌ایم که مردمان فرهنگی هستیم به معنای اینکه مردمان اهل آداب هستیم؛ البته برخی آداب را به مراسم تعبیر کرده‌اند، من مراسم‌گرایی را تعبیر نمی‌کنم، چون بعضی شرق‌شناسان مراسم‌گرایی تعبیر کرده‌اند، نه این آداب است. این آداب‌دانی ما که وجه فرهنگی است مایه و بنیان‌هایش، بنیان‌های دینی است که چطوری و با چه ارجاعاتی اهل آداب و ادب هستیم، ضمن اینکه اینجا جهان ماوراء و امر متعالی برای ما معنا و اهمیت پیدا می‌کند و همین است که امر قدسی از نظر فرهنگی برای ما مهم شده‌است. پس ویژگی دوم بحث فرهنگی است.

معروف است که هر چیزی را به نمادهای آن می‌شود شناخت، نماد یا این آداب و ادبی که می‌فرمایید، در مورد دینداری در جامعه ایرانی چه بوده‌است و اصلاً چنین نمادهایی را جامعه دیندار دارد؟

ما در دوره جدید خیلی به مراسم تأکید کردیم که اتفاق معاصر است، ولی قدیم‌ترها بحث نمادها در آن چیزی که همیشه تجلی پیدا می‌کرده ابژه‌ها بود. مثلاً در مراکز و مقدسات ما، مراکز دینی، مسجد و پرستشگاه‌های ما و جای دیگر در گفتارها، کلام‌ها و آداب است، مثلاً شما وقتی مجموعه ساحت زیست ایرانیان را می‌بینید، زیست‌زبانی است. فرهنگ به معنای زبان است، مردمانی اهل زبان و گفتار هستند و به همین دلیل شعر و ادبیات مهم است و می‌بینید که چقدر به شعرا، قصه، فوکلور و ادبیات عامه اهمیت می‌دهند.

وجه زبانی ما خیلی مهم است که به شکل نمادین، نمادهای این ساحت معنایی است که به نام آن امر مقدس و متعالی شناخته می‌شود که در واقعیت اجتماعی چیزی به اسم نیکوکاری، خدمت و حل مشکلات مردم و این حرف‌هاست. مجموعه اینها با هم در رفت و برگشت یک ساحت دینداری هستند و به همین دلیل دینداری نه به این معنایی که فقط عبادت می‌کنیم، دینداری به این معناست که خدمت می‌کنیم نه اینکه فقط خدمت می‌کنیم، بلکه اساساً اهل آداب هم هستیم، اهل بیان زبانی هم هستیم. اینها مردمان ایرانی هستند. مردمان خانواده و مردمان فرهیخته را نگاه کنید اینها این تیپی هستند، خیلی در آنها تظاهر نمی‌بینید، ولی دقیقاً اگر به آن اعتراض کنید، می‌بینید که بسیار اهل آداب و معنوی هم هستند، ولی کسانی که قشری‌گرا هستند، همش مراسم را می‌بینند و این چیزی نیست که در تاریخ مانده و دین ما در آنجاها باقی مانده‌است.

وقتی که می‌گوییم ما دیندار هستیم، می‌گوییم که ادب داریم و اهل ادب هستیم، مردمانی که فحش نمی‌دهند، فحش گوش نمی‌کنند، مردمانی که اهل خدمت هستند، مردمانی که اهل ظلم نیستند و معترض به ستمگر می‌شوند، مردمانی که اهل حمایت از نیکوکاران هستند، مردمانی که اهل عبادت هستند و نگاهشان به آسمان‌هاست. ببینید ما مردمان ایرانی آسمان را خیلی دوست داریم، خلوت را خیلی دوست داریم.

حجاب به عنوان یکی از نمادهای دینداری مطرح می‌شود و البته از دوره باستان هم آثاری از حجاب در میان ایرانیان وجود دارد.

شما به جامعه دیروز ایران بازگردید؛ مثلاً جامعه رشت ۵۰ یا ۶۰ سال پیش یا کاشان ۷۰ سال پیش را می‌بینید، مردم همه با هم زندگی می‌کردند و در رفت و آمد بودند، ولی حجاب‌ها خیلی این معنایی که ما به شکل متصلب از آن یاد می‌کنیم، نبوده‌است، در کشتزار بودند، پشت قالی بودند، با هم کار می‌کردند و اینقدر مرزکشی نبوده، خانواده‌ها با هم در رفت و آمد بودند.

حجاب به این شکل محکمی که الان می‌گوییم هم هست و هم نیست، یعنی متنوع و گوناگون است، این آدابی است که شکل واحد ندارد، مثلاً وقتی که می‌گوییم طرف اهل اخلاق و ادب و احترام است؛ یعنی همه مثل سرباز به سرهنگ که به همدیگر احترام نمی‌گذارند، هر کسی در جرگه و در عرصه فرهنگی خودش آداب و ادب را صورت‌بندی می‌کند و در مورد حجاب نیز همینطور است. مردمان ما در ایلات و عشایر را نگاه کنید. این کوچ بزرگ مردمان که همگی با همدیگر هم‌طایفه هستند، ولی محرم و نامحرم هم دارند و اتفاقاً در بیابان هم می‌خوابند، اینقدر خط‌کشی نیست. این مسئله را مدافعان و مخالفان جمهوری اسلامی تبدیل به موضوع اصلی جمهوری اسلامی کرده‌اند که اگر شکست بخورد، جمهوری اسلامی باید برود و اگر موفق شود باید بماند. نه اگر حجاب را درست کنیم، کما اینکه ۳۰ سال پیش درست کردیم جمهوری اسلامی خیلی قدرتمند می‌شود و نه اگر از دستش بدهیم، جمهوری اسلامی سقوط می‌کند. اصلاً به نظر من پشت این مسئله چیزهای دیگری است، مثلاً مفهوم عفت را فراموش کرده و رفته‌ایم دنبال پوشش، نجابت را فراموش کرده‌ایم و دنبال نجیب نمی‌گردیم و این قصه، قصه عجیبی است.

فرمودید که مسئله دینداری در کشور ما حتی با هجوم خارجی نیز از مسیر خودش خارج نشده‌است، فکر می‌کنید این نسبت دین با جامعه ایرانی در دوران آینده نیز ادامه پیدا خواهد کرد؟

اگر دین در ایران امری خارجی بود هم دوره مغول و هم دوره پهلوی کافی بود که ما از دین عبور کنیم، الان هم همینطور است که جامعه از دین عبور نمی‌کند با اینکه این مقدار به نام دین تحت فشار است، ولی جامعه از دین عبور نمی‌کند، بلکه از یک نوع دینداری عبور می‌کند، از نوع دینداری که می‌خواهد همه را یک شکل کند و همه یک طور رفتار کنند.

اتفاقاً شرایط امروز نشان می‌دهد جامعه ایرانی به لحاظ تاریخی دیندار است، دینش فرهنگی است، بعد هم امر متعالی و مقدس آن برایش مهم است و اتفاقاً از این می‌تواند و دارد بهره بیشتری می‌گیرد و حتی در نقد دین به دین مراجعه می‌کند؛ در حالی که اتفاقی که در غرب افتاد، سکولاریسم دینی به بی‌دینی و به نام عقل از دین عبور کرد، ولی اصلاً این حرف که جامعه ایرانی به سکولاریسم برسد، بی‌ربط است و کسانی که صاحب قدرت هستند، این حرف‌ها را می‌زنند تا علما را تحریک کنند. نه جامعه ایرانی از دین عبور می‌کند و نه از یک دینداری قشری‌گرایانه یکسان دفاع می‌کند.

جالب است مردمان ایران الان به ادبیات و شعر خیلی پناه برده‌اند، حافظ‌خوان، سعدی‌خوان، مولوی‌خوان، رودکی خوان و مثنوی‌خوان شده‌اند. ارجاع آنها به این وجه، در حالی است که این مشاهیر افرادی بی‌دین نیستند و متون هم متون بی‌دینی نیست و این اتفاق جالبی است که افتاده‌است. اینها می‌توانستند مثلاً شکسپیر یا مولیر بخوانند، ولی به متون دینی که نام بردم ارجاع می‌دهند و این متون، رقیب این نوع دینداری حکومتی می‌شود. این دین، دین رحمانی، دین انسانی و دینی است که آگاهی‌بخشی دارد و جامعه از این عبور نمی‌کند. سرانجام چه خواهد شد را باید ببینیم. ما چگونه نزاع این دین حکومتی، دین توده مردم و دین روشنفکری را تشدید می‌کنیم یا تقلیل می‌دهیم. یک زمانی علمایی بودند که این نزاع‌ها را کاهش می‌دادند، یک زمانی روشنفکران میانداری بودند که اینها را کاهش می‌دادند، ولی امروز اینها دست برخی افتاده که دعوا دارد شکل می‌گیرد، ولی اگر همان مراجع و روشنفکران بیایند احتمالاً دعوا کاهش می‌یابد. ما وقتی که نیروی انتظامی در خیابان آدم می‌گیرد و تلویزیون هم همه آدم‌ها را یکسان نشان می‌دهد، داریم دعوا را زیاد می‌کنیم. جامعه به سمت عبور از دین نرفته‌است، بلکه به سمت دیگری از دینداری رفته است و یک نفس پیامبرانه و علی‌وار لازم است که فی‌مابین عمل کند و این نیروها را به هم وصل کند تا آن کسی که ۲ درصد دینداری دارد، با آن کسی که صددرصد دینداری دارد بتوانند با هم زیست کنند و زیست‌دینی داشته باشند.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۸۷۵

به نظر شما «نکبت و بدبختی در قرن ۲۱» چیست؟
آنکه با ملاحظه تعداد جمعیت و تنوع ابزار و وسایل گوناگون، صاحبنظران علوم انسانی به قدری اندکند که واقعاً موجب نگرانی است؟ علامه جعفری می‌گوید نه!
آنکه ما امروزه میلیون‌ها مجهول پشت پرده داریم؟ نه!
آنکه بشر در برابر حوادث، مقاومت لازم را نداشته، به سرعت می‌شکند و آسیب می‌بیند؟ نه!
علامه جعفری می‌گوید نکبت و بدبختی بشر امروز، ناشی از وقاحتی است که برخی خودپرستان قرن ۱۹ با نیمه چراغی از مشاهدات ناقص علمی، انسان را از «انسانیت» تهی ساخته، به بیماری مهلک «خودبیگانگی» مبتلا کردند.
آنان این انسان رها را دست بسته تسلیم لذت‌پرستی و غریزه جنسی کرده، «جدایی انسان از انسان» را رقم زدند.
...و این سقوط هولناک، چنان تلفات گسترده‌ای از ساده‌لوحان جوامع گرفته و می‌گیرد که هرگز قابل‌جبران نیست!

محیط‌زیست

خسارت ۷ میلیارد دلاری آلودگی هوا به کشور

دبیر کل اتحادیه جهانی مبارزه با بیماری‌های ریوی با بیان اینکه آلودگی هوا چهارمین عامل مرگ در کشور است، گفت: آلودگی هوا سالانه ۷ میلیارد دلار به کشور خسارت می‌رساند.

محمدرضا مسجدی، دبیر کل اتحادیه جهانی مبارزه با بیماری‌های ریوی گفت: آلودگی هوا چهارمین عامل مرگ در کشور است که سالانه ۷ میلیارد دلار به مملکت خسارت می‌رساند. هر سال حدود ۲۰ هزار نفر بر اثر آلاینده‌های هوا جان خود را از دست می‌دهند و موتورسیکلت‌ها مهم‌ترین عامل آلودگی هوا در ایران هستند.

وی در ادامه افزود: تحقیقات اخیر نشان می‌دهد آلودگی هوا هر سال ۹ میلیون نفر را در دنیا به کام مرگ می‌کشد و از هر ۹ مرگ یک نفر به دلیل مشکل آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند. با اینکه میزان مرگ‌های ناشی از سکته بیش از آلودگی هواست، اما یک سوم مرگ‌های ناشی از سکته مغزی نیز به دلیل آلودگی هوا است.

مسجدی در خصوص تعداد آلوده‌ترین شهرهای کشور گفت: در سال ۱۴۰۰ میزان آلودگی هوا در ۲۷ شهر کشور بیش از حد مجاز بود و در مواردی میزان آلودگی‌ها بیش از سه برابر حد مجاز بوده‌است. بیشترین میزان آلودگی هوا را دارند عبارتند از تهران، اهواز، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، ایلام، سنندج، خرم‌آباد، اراک، کرج، کرمانشاه، آبادان، شهرکرد، یزد، ارومیه، کرمان، قزوین، بیرجند، قم، زابل، بجنورد، زنجان، بوشهر، اردبیل، زاهدان و دزفول که در برخی از این شهرها همزمان با آلودگی هوای ناشی از سوخت، پدیده ریزگردها نیز وجود دارد.

مدیر عامل شبکه ملی پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر درباره مهم‌ترین عامل آلودگی هوا در کشور توضیح داد: مهم‌ترین عامل آلودگی هوا در کشور موتورسیکلت‌ها و خودروهای فرسوده هستند. خودروهای فرسوده ۲۵ برابر بیشتر از خودروهای یورو ۲ آلودگی تولید می‌کنند و حدود ۴۵ درصد از خودروهای کشور فرسوده و از رده خارج هستند.

وی در ادامه گفت: ۸۸ درصد آلودگی هوا در ایران ناشی از موتورسیکلت‌ها و خودروها و ۱۲ درصد ناشی از منابع ثابت و صنایع است.

مسجدی افزود: موتورسیکلت‌ها بیش از چهار برابر خودروها آلایندگی دارند. بیش از ۹۰ درصد موتورسیکلت‌ها کاربراتوری و ۸۶ درصد آنها فرسوده هستند. ۲۱۹ شرکت در ایران موتورسیکلت تولید می‌کند که اکثر آنها بنزینی و غیر استاندارد هستند.

وی درباره آمار مرگ و میر ناشی از آلودگی در شهر تهران اظهار کرد: بر اساس اعلام وزارت بهداشت سالانه ۲۰ هزار مرگ منتسب به آلودگی هوا در ایران وجود دارد. بیش از نیمی از جمعیت کشور در معرض آلودگی هوا قرار دارند و خسارات آلودگی هوا در ایران سالانه به ۷ میلیارد دلار می‌رسد. فقط در شهر تهران سالانه بیش از ۳هزارو ۷۰۰ نفر به علت آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند و خسارت این پدیده در تهران بالغ بر ۲/۳ میلیارد دلار است.

فوق‌تخصص ریه در خصوص تأثیر آلودگی هوا در ابتلا به سرطان ریه افزود: ۲۰ درصد از سرطان ریه به دلیل آلودگی هوا است. در سال‌های اخیر علاوه بر خودروها و منابع ثابت، سوزاندن مازوت در فصول سرد سال نیز بر افزایش میزان آلودگی هوا و مرگ‌های ناشی از آن مؤثر بوده‌است. مازوت یا نفت کوره به علت قیمت ارزان برای سوخت کوره‌ها و نیروگاه‌ها استفاده می‌شود، اما این ماده پس از سوختن به گازهای خطرناکی تبدیل می‌شود.

مسجدی خاطر نشان کرد: تبخیر بنزین در جایگاه‌های سوخت نیز یکی دیگر از عوامل آلودگی هواست به طوری که حدود ۲۰ درصد انتشار ترکیبات آلی فرار در هوا ناشی از تبخیر بنزین از این جایگاه‌ها است و در اطراف این مراکز میزان آن به شدت بالاتر و خطرناک است.

وی در ادامه درباره میزان تبخیر بنزین گفت: از هر ۱۰ هزار لیتر بنزین ۴۵ لیتر بخار می‌شود و بر اساس برآوردهای موجود فقط در شهر تهران سالانه بیش از ۴ میلیارد لیتر بنزین مصرف می‌شود.

دبیر کل اتحادیه جهانی مبارزه با بیماری‌های ریوی با اشاره به راهکارهای کاهش آلودگی هوا گفت: مهم‌ترین راهکار کاهش آلودگی هوا در ایران اجرای قانون هوای پاک است که از سال ۹۶ تصویب شده و تاکنون اقدام جدی برای اجرای آن صورت نگرفته‌است.

مسجدی در خصوص راه‌حل‌های کاهش آلودگی هوا افزود: توسعه حمل و نقل شهری از جمله مترو و بی‌آرتی، ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری، آزمایش جدی آلایندگی خودروها، نوسازی ناوگان تاکسیرانی، خروج کارخانه‌های آلاینده از شهرهای بزرگ، اصلاح کیفیت بنزین، توسعه فضای سبز شهری، ترویج استفاده از خودروهای برقی، جلوگیری از مازوت‌سوزی، نصب فیلتر جاذب ذرات معلق و بازیابی کاتالیست وسایل نقلیه از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که برای کاهش آلودگی هوا و مرگ و خسارت‌های اقتصادی بسیار بالای آن باید انجام شود.

مدیر عامل شبکه ملی پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر گفت: نکته بسیار مهم، لزوم وحدت رویه و انسجام بین مدیران کشور است. متأسفانه با وجود تأکید برخی مسئولان بر اجرای قانون هوای پاک منابع مالی برای اجرای این قانون تأمین نمی‌شود و همچنان شاهد تولید خودروها و موتورسیکلت‌های آلاینده و ادامه مصرف مازوت در برخی صنایع هستیم.

فوق‌تخصص بیماری‌های ریوی به مردم توصیه کرد: در زمان آلودگی هوا مصرف مواد غذایی حاوی آنتی‌اکسیدان مانند سبزیجات، میوه، بادام، شیر و دیگر لبنیات نیز می‌تواند بدن ما را در برابر اثرات آلودگی هوا حفاظت کند.